

زنان با فضیلت در اسلام

دوست محمدی، هادی

جمعی از زنان باایمان در جنگهای اسلامی برای مداوای مجروحان فعالانه شرکت داشتند بخشی از همه کتب رجال، به شرح حال زنان دانشمندی اختصاص دارد که در اسلام پرورش یافته و مبدء آثاری شدند

روزی بود که زن حتی خیال بزرگواری و شخصیت، در ذهنش راه نمی‌یافت و خود نیز برای خویش شخصیتی باور نداشت و بردگی و اسارت را عملاً پذیرفته بود. طلوع اسلام و بعثت، همچنانکه شرک را کوبید، بتها را نابود ساخت، با خرافات مبارزه کرد، با بی‌عدالتیها جنگید، بردگی را تدریجاً از میان برد؛ آزادی و عدالت آورد، وحدت و برابری و برادری و تفاهم را جایگزین اختلاف و آدمکشی نمود، با تکبر و خودخواهی و نخوت کوتاه‌نظران نیز به مخالفت پرداخت، و شخصیت و حق هر کسی را طبق قانون آفرینش و فرمان الهی به وی ارزانی داشت، و در این مسیر زنان حق واقعی خود را به دست آورده و شخصیت فراموش شده خویش را باز یافتند.

این مکتب انسانی برخلاف تصور برخی از بی‌اطلاعان، نه تنها در پرورش استعداد مردان گامهای موثری برداشت بلکه بانوان دانشمند و بافضیلتی را پرورش داد که هر کدام نمونه‌ای از یک انسان واقعی و حافظان علوم نبوی و احادیث اسلامی بودند و با پیروی از اوامر پیامبر اکرم (ص) و کوشش در فرا-گیری دانش، در کمالات و معارف انسانی به مقام والائی نائل شدند.

هرچند بر اثر گذشت زمان، آشنائی با همه خصوصیات آموزشی آنان، امروز برای ما مقدور نیست، اما با مراجعه به آماري که دانشمندان تاریخ و رجال در اختیار ما گذاشته‌اند روشن می‌گردد که صدها بانوی دانشمند از پشت پرده‌های مسجد، از مقام رفیع رسالت و از معدن علم نبوی استفاده می-کردند و از آن حضرت نقل حدیث می‌نمودند و این روش همچنان در زمان امیر مومنان (ع) و فاطمه زهرا (ع) و سایر پیشوایان معصوم (ع) ادامه داشته

است و در هر قرن از قرون اسلامی، زنان دانشمند و بافضیلت پرورش یافته و آثار علمی و ادبی به یادگار گذاشته‌اند.

اکنون در صد آن نیستیم که شخصیت‌های بزرگی از بانوان همچون حضرت «فاطمه» (ع)؛ «خدیجه»؛ (ع) زینب (ع)، ام سلمه، فاطمه بنت اسد و... را معرفی نمائیم که آنان از خورشید تابانتر بوده و احتیاجی به معرفی ندارند. تنها به شناسائی برخی از بانوان دانشمندی می‌پردازیم که از دریای ژرف و بی‌کران علم پیامبر اکرم (ص) بدون واسطه یا با واسطه کسب فیض نموده و به رتبه والائی از دانش رسیده و شاگردانی ارزنده تحویل جامعه داده‌اند یا قدم‌های مؤثری در ابلاغ احکام اسلام و دفاع از آن برداشته‌اند.

سفیر بانوان عرب:

«- اسماء» نوهی «امرؤ القیس» دختر «یزید بن - سکن» از کسانی است که از محضر رسول اکرم (ص) کسب دانش می‌کرد و نقل حدیث می‌نمود، وی بانوئی خردمند و با ایمان و خطیبی بلیغ و سخنوری توانا بود که برای بانوان سخنرانی می‌کرد و با بیانی شیوا حقایق و معارف اسلام را به آنان ابلاغ مینمود و شاگردانی برای این جهت پرورش داد که همه از وی نقل حدیث می‌کردند. او علاوه بر این که از خرد و دانش کافی برخوردار بود در پرتو ایمان، شهامت و شجاعت شگفت‌انگیزی نیز داشت، در جنگ یرموک همراه مسلمانان بود و در آن جنگ با ستون خیمه نه نفر از رومیان را کشت!

روزی به محضر پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شد و با بیان گیرا و رسا عرضه داشت: من فرستاده گروهی از زنان مسلمان هستم که هم‌اکنون پشت سر من گفته‌های مرا تایید می‌کنند و رای و نظر من، آراء و نظریه آنان است و گفته ما این است که: شما فرستاده و پیامبر خدا بر همه مردان و زنان جهان هستید و ما نیز به تو ایمان آورده و از تو پیروی نموده‌ایم ولی ما زنان، خانه‌نشین و دور از فعالیت‌های اجتماعی و وسیله ارضای تمایلات جنسی مردان و پرورش‌دهنده فرزندان آنان و در غیاب آنان نگهدارنده مال و اطفال ایشان می‌باشیم در صورتی که مردان به واسطه اینکه می‌توانند در نماز جمعه، شرکت کنند و برتر از همه، جهاد در راه خدا نمایند، آیا ما، در

فضیلت و پاداش و اجر، با آنان شریک و برابریم؟ پیامبر(ص) رو به اصحاب کرد و فرمود: تاکنون بیانی به این شیوایی و نکوئی از پرسشگری زن شنیده‌اید که درباره دینش چنین پرسیده باشد؟ گفتند: نشنیده‌ایم سپس آن حضرت خطاب به وی فرمود: برگرد و به همه بانوان که همراه تو هستند بگو: از عهده وظایف شوهرداری برآمدن (و فرزندان برومند تربیت کردن) (۱) - حسن تبعل احداکن لزوجها و طلبها لمرزاته و اتباعها لموافقته يعدل کل ما ذکرت الرجال. با همه فضیلت‌هایی که برای مردان برشمردید برابر است؛ اسماء بازگشت و از خرسندی و شادی تکبیر می‌گفت و همه زنان با شنیدن این سخن شادمان گشتند. ۱

«۲- امیمه» دختر «رقیقه» بنت خویند، خواهر حضرت خدیجه (ع) بود، وی از محضر پیامبر اکرم (ص) کسب علم و دانش می‌نمود و از آن حضرت نقل حدیث می‌کرد و دخترش «حکیمه» را نیز با علم و دانش و فضیلت پرورش داد که او از مادرش نقل حدیث می‌نمود، او می‌گوید: با گروهی از بانوان برای بیعت با پیامبر (ص) به پیشگاه آن حضرت شرفیاب شدیم من از طرف همه بانوان به رسول خدا گفتم: پیمان می‌بندیم که هرگز شریکی برای خدا قائل نشویم و دزدی و اعمال منافی عفت نکنیم و فرزندان خود را نکشیم و هیچگاه زبان به بهتان و افترا نیالایم و هرگز مخالفت امر تو را ننمائیم. پیامبر فرمود: تا چه اندازه توانائی و طاقت دارید؟ عرضه داشتم: خدا و رسولش از خود ما مهربانتر است اکنون دست خود را بدهید تا با شما بیعت کنیم؛ فرمود: در مورد بیعت؛ قول ما کافی است اگر به یک نفر از شما زنان قول دادم. مانند آنست که به همه شما قول داده‌ام ۲

«۳- نسبییه» دختر کعب: این بانوی دانشمند نیز معارف و علوم را از منبع وحی و رسالت و از محضر رسول اکرم (ص) فراگرفته بود و از آن حضرت نقل حدیث می‌کرد، بعلاوه در اکثر جنگ‌هایی که پیامبر شرکت داشت، او نیز ملزم رکاب آن بزرگوار بود و در رشته جراحی و مداوای مجروحان تخصص داشت و در جنگ‌ها این وظیفه را متعهد بود ۳

«۴- امیمه» دختر قیس بن ابی الصلت غفاری: وی بانوئی نیکوکار و زاهدی پرهیزکار بود؛ این بانوی دانشمند همچنانکه علم و دانش را از محضر پیامبر اسلام (ص) فراگرفته بود تقوی و پرهیزکاری و سایر فضائل معنوی و انسانی را نیز از آن حضرت سرمشق می‌گرفت و پس از فراگیری دانش، آن را در جامعه به کار می‌بست و در

ارشاد و هدایت افراد اجتماع فعالیت داشت؛ در موضوع راهنمایی مردم به کارهای خیر و پسندیده و بازداشتن آنان از ناپسندیها (امر به معروف و نهی از منکر) کوشش چشمگیری داشت و هرگز آرام نمی‌گرفت و به سربازان و مجاهدین راه خدا احترام خاصی قائل بود و به آنان بسیار مهر می‌ورزید؛ در پیکارها شرکت می‌جست و وظیفه درمان مجروحان و پانسمان کردن زخمهای آنان را به عهده می‌گرفت؛ در میدان جنگ قدم می‌زد و سایر بانوان را نیز راهنمایی می‌کرد، روزی با گروهی از زنان «غفاری» به حضور رسول اکرم (ص) شرفیاب شد و اظهار داشت: اجازه بفرمائید تا در رکاب شما باشیم و مجروحین را مداوا کنیم و به اندازه بقیه در صفحه ۷۰

- (۱) الاصابه ج ۴ ص ۲۳۵ الاستیعاب ص ۲۳۸ الدر الممنثور ص ۳۶ تهذیب التهذیب ج ۱۲ ص ۴۰۰

- (۲) الاصابه ج ۵ ص ۴۴۰ الاستیعاب ص ۲۳۶ تهذیب التهذیب ج ۱۲ ص ۴۰۱

- (۳) تهذیب التهذیب ص ۴۵۵

قدرت و توانائی خویش مسلمانان را یاری کنیم آنحضرت فرمود: به یاری خدا این کار را انجام دهید. او به رهبری گروهی از بانوان در جنگ خیبر شرکت کرد و با راهنمایی وی همه به مداوای مجروحین پرداختند تا جنگ بنفع مسلمانان خاتمه یافت ۱

«۵- امامه» دختر حمزه سید الشهداء مادرش «سلمی» بنت عمیس خواهر بانوی بزرگوار اسلام «اسماء بنت عمیس» بود، این بانوی عالمه از محضر عموزاده عالیقدرش رسول اکرم (ص) کسب فیض می‌کرد و نیز احادیثی از آن حضرت نقل می‌نمود و بسیاری از محدثین و محدثات از وی نقل حدیث کرده‌اند ۲

«۶- عماره» انصاری دختر کعب بن عمرو - بن عوف، از کسانی بود که بدون واسطه از محضر رسول اکرم (ص) علوم اسلامی را فرا می‌گرفت و نقل می‌کرد او نیز غیر از مقام شامخ علمی از نیروی ایمانی برخوردار بود که او را در ردیف مجاهدین قرار داده است وی در «احد» با همسر و پسرش در میدان جنگ بود و در جنگ یمامه دستش جدا شد ۳

«۷- زینب» دختر «ابی سلمه»، مادرش «ام سلمه» بود این بانوی دانشمند نیز شاگرد رسول اکرم (ص) بود و احادیثی از آن حضرت نقل میکرد «ابو رافع» می‌گوید روزگاری دانشمندتر از این بانو در مدینه نبود ۴

«۸-اسلمی» همسر ابی رافع، مادر عبد الله- بن ابی رافع کاتب علی(ع) بود، او از محضر پیامبر (ص) و فاطمه(ع) کسب علم و دانش می‌کرد و احادیثی را نقل می‌نمود و قابله مخصوص خاندان رسالت بود، و در جنگ خیبر نیز شرکت داشت او آنچنان به خاندان رسالت نزدیک بود که در شهادت فاطمه زهرا(ع) به همراهی اسماء بنت عمیس در تغسیل و تجهیز حضرت زهرا(ع) همکاری داشت ۵

«۹-سلامه» دختر «حر» فزاری، دانش خود را از رسول اکرم(ص) فراگرفته بود و روایاتی از آن حضرت نقل کرده است و بانوی خردمند «عقیله» فزاری از وی نقل حدیث می‌کرده است ۶
نام بردن یک بانوان دانشمند مسلمان و اشاره به زندگانی آنان نیاز به تالیف چندین جلد کتاب دارد و ما، در پایان به ذکر برخی از آمارها اکتفا نموده و خوانندگان محقق را به مطالعه کتب مربوطه محول مینمائیم:

«اسد الغابه» هزار و پنجاه نفر از زنان با شخصیت اسلامی را نام برده است.
در کتاب ریاحین الشریعة نام حدود هشتصد نفر از زنان دانشمند ضبط شده و مختصری از احوالات آنان نیز نوشته شده است که قریب هفتصد نفر از آنان، بانوان دانشمند شیعه بوده‌اند.
تنقیح المقال نام یکصد و چهل نفر از بانوان قهرمان اسلام را ذکر کرده که همه افتخار پیروی علی(ع) را داشته‌اند و در کتاب: «الاستیعاب»، «الاصابه» «تهذیب التهذیب» فصل مخصوصی برای بانوان دانشمند تعیین شده است و کتاب «بلاغات النساء» مخصوص به این جهت تالیف یافته است و محقق معاصر علامه شوشتری مولف قاموس الرجال از نیمه‌های مجلد ۱۰ تا نیمه مجلد یازده این کتاب را به این جهت اختصاص داده است.

(۱) و (۲)-الدار المنثور ص ۶۷ و ۶۵

(۳)-تهذیب التهذیب ج ۱۲ ص ۴۷۴

(۴)-مدرک قبل و قاموس الرجال ص ۴۴۱ ج ۱۰

(۵)-دو مدرک قبل

(۶)-تهذیب التهذیب ص ۲۷ ج ۱۲